

سیاست ما
در قبال
((ان.جی.او)) ها
در کردستان
مصاحبه
صلاح مازوجی
با نشریه پیشرو
صفحه ۳

بیانیه کمیته مرکزی کومه‌له به مناسبت پیروزی شکوهمند اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد در کردستان

۱۶ مرداد با اعتصاب عمومی، یکپارچه و با شکوه مردم آزادیخواه به تاریخ جنبش انقلابی کردستان پیوست. مردم مبارز کردستان بعد از یک ماه رودرویی و مقابله با وحشیگری نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در روز ۱۶ مرداد در جریان یک اعتصاب عمومی، هماهنگ و سازمان یافته که تمام شهرهای کردستان را در بر گرفت، قدرت اتحاد و همبستگی خود را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند. آنها با این اعتصاب عمومی مبارزات یکماهه اخیر در شهرهای مختلف را با یک زنجیر محکم به هم گره زدند و زمین را زیرپای رژیم اسلامی در کردستان داغ‌تر کردند. مردم کردستان انقلابی با این اقدام بی‌نظیر و شکوهمند خود ظرفیت والایی از فرهنگ مبارزاتی پیشرو، سازمان‌یابی و هوشیاری سیاسی را از خود نشان دادند و با این پیروزی، در مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی و برای تحقق خواست‌های عادلانه شان یک دوره را پشت سر گذاشتند و به مرحله نوینی پا نهادند. مرحله‌ای که در آن عنصر آگاهی، سازمان‌پذیری و کاردانی، نقش تعیین کننده‌ای را در پیشبرد مبارزات مردم ایفا خواهند کرد.

مردم کردستان با به کار بستن درس‌ها و تجارب این حرکت تاریخی این‌بار در تدارک مبارزه‌ای که در پیش دارند اسیر اقدامات خود انگیزه و در پیش گرفتن روش و تاکتیک‌های تحمیلی از جانب نیروهای دشمن نمی‌شوند، بلکه در هر قدم از مبارزه خود توازن واقعی نیروهای خودی و دشمن را می‌سنجند و با اهدافی که پیش روی خود می‌گذارند راه و روش متناسب با اوضاع سیاسی و شرایط مبارزاتی را در پیش می‌گیرند و در هر گام دستاوردهای خود را تثبیت می‌کنند و بدین ترتیب تهور و شجاعتی را که به نیروی توده‌ای خود به دست آورده‌اند، با کاردانی و آگاهی به هم می‌آمیزند و با کمترین تلفات راه خود را به سوی پیروزی هموار می‌کنند. مردم کردستان هم اکنون و در این کارزار گذشته از گنجینه‌های از درس‌ها و تجارب که در سازماندهی جنبش توده‌ای و به ثمر رساندن مبارزات تاکتونی خود دارند، می‌توانند در این دوره به یک سرمایه واقعی انسانی که در دل جنبش انقلابی کردستان پرورش یافته است متکی باشند.

جنبش کارگری در مبارزه برای دستیابی به مطالبات خود، جنبش زنان در مبارزه برای پایان دادن به موقعیت فرودست زن در جامعه، جنبش جوانان در مبارزه برای آزادی و پایان دادن به بی‌حقوقی‌های فردی و اجتماعی، جنبش عمومی مردم کردستان در مبارزه علیه ستمگری ملی، رهبران و چهره‌هایی را به جلو صحنه آورده است که هماهنگی میان آنها می‌تواند مبارزات جاری در کردستان را گام به گام در جهت تحقق اهدافی که پیش روی دارد به جلو سوق دهد و پیشروی جنبش انقلابی کردستان را تضمین کند.

این حرکت بعنوان نقطه اوج مبارزات یکماهه اخیر نشان داد که مردم کردستان راه پیروزی خود را می‌شناسند و تحت تاثیر وسوسه‌های بی‌مایه جریان‌هایی که با وعده دخالت قدرت‌های بزرگ از خارج، آنها را در انتظار نگاه می‌دارند. قرار نمی‌گیرند و افق‌هایی خود را به نیروی آگاهی و مبارزه مستقیم خود که تنها تضمین واقعی پیروزی است، متکی می‌کنند.

پیام این اعتصاب عمومی برای مردم مبارز در سراسر ایران نیز روشن و امید بخش بود. مبارزات این دوره مردم کردستان برای جنبش‌های آزادیخواهانه و رهایی بخش در سراسر ایران الهام بخش خواهد بود و آنروز دور نیست که همه مردم کارگر و زحمتکش و ستمدیده در سراسر ایران بازو در بازوی هم، در صفوف فشرده به پا خیزند، شر این رژیم را از سر خود کم کنند و آینده روشن خود را به دست خود بنا نهند.

درد بی پایان به مردم رزمنده‌ای که علیرغم کارشکنی‌ها و سنگ اندازی‌های دوستان دروغین مردم در روز ۱۶ مرداد به فراخوان کومه‌له پاسخ مثبت دادند و برگ زرین دیگری بر تاریخ پرافتخار مبارزات خود افزودند. این پیروزی را به آنها و به همه مبارزین پرشوری که با جانفشانی و کاردانی و تلاش شبانه روزی این حرکت بزرگ توده‌ای را سازمان دادند، تبریک می‌گوییم. با این امید که پیروزی درخشان روز ۱۶ مرداد مقدمه پیشروی بیشتر و پیروزی‌های شکوهمندتری باشد.

کمیته مرکزی کومه‌له

۱۷ مرداد ۱۳۸۴ شمسی (۸_۸_۲۰۰۵)



۱۶ مرداد نقطه عطفی در جنبش انقلابی کردستان!

روز ۱۸ تیر ۱۳۸۴ شوانه سید قادری اهل مهاباد هدف تیراندازی نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار گرفت و به شدت زخمی شد. رژیم جمهوری اسلامی با دستگیری، شکنجه و وحشیانه و قتل و گرداندن جسد مثله شده شوانه این جوان مبارز در خیابان‌های شهر قصد داشت مردم این شهر را مرعوب و وحشت زده کند. گردانندگان این سناریوی ضدانسانی تصور می‌کردند همچنانکه در سال ۵۹ جنازه ۵۹ زندانی سیاسی را بعد از اعدام از تلویزیون مهاباد نشان دادند و فضای رعب و وحشت ایجاد کردند، می‌توانند دوباره این تجربه را تکرار کنند. اما بی خبر از اینکه اکنون جنایات رژیم نه ←

۱۶ مرداد نقطه عطفی در جنبش انقلابی کردستان!

نمی‌کند بلکه چنین جنایاتی باعث انزجار و نفرت عمیق تر از رژیم و روحیه همبستگی و همدلی در میان مردم ناراضی را بیشتر تقویت می‌کند. رفتار ضدانسانی جمهوری اسلامی با جسد یک مبارز خوشنام، احساسات مردم شهر مهاباد را به شدت تحریک کرد و مردم این شهر به جای ترس و وحشت، دست به اعتراض و ناراضی متحدهانه زدند. آنان با بستن دکان و بازار و محل کار خود، انتخاب نماینده و خواست مجازات آمرین و عاملین قتل شوانه نفرت خود را از جمهوری اسلامی و سیاست‌های ضدانسانیش نشان دادند. رژیم اسلامی به جای جواب به خواست‌های مردم ناراضی طبق روال همیشگی خود به سرکوب بیرحمانه آنان پرداخت. اعتراض عادلانه مردم مهاباد ادامه یافت تا سرانجام خواست و مطالبات آنان توسط مردم ناراضی در دیگر شهرهای کردستان مورد حمایت قرار گرفت. در مدت کوتاهی این اعتراضات همه‌گیر شد و تمام شهر و شهرک‌های کردستان را فراگرفت.

گشتار مردم کردستان و مقاومت سراسری

اگرچه سرآغاز دور اخیر اعتراضات مردم کردستان قتل فجیع و وحشیانه شوانه سیدقادی در مهاباد بود، اما این جنایات در حیات جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان امری تازه به حساب نمی‌آید. جنگ خونین بهار ۵۸ علیه مردم سنندج، فرمان جهاد خمینی علیه مردم کردستان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ و تحمیل جنگ ناخواسته و شکل گرفتن مقاومت عادلانه در مقابل آن، گلوله باران شهر مقاوم سنندج به مدت ۲۴ روز و کشته و مجروح کردن صدها تن از مردم مبارز این شهر قصابی مردم کردستان از پایه و نوسود تا مهاباد، سقز و بانه توسط خلخال جلا و به فرمان مستقیم خمینی، قتل عام مردم زحمتکش روستاهای قارنا و قلاتان، سوزی و ختای و سرچنار و چندین روستای دیگر در مناطق مختلف کردستان، اعدام دهها جوان مبارز در قتلگاه‌های اسلامی، کشتار وحشیانه مردم سنندج در ۳ اسفند ۱۳۷۷ در اعتراض به دستگیری رهبر حزب کارگران کردستان و دهها نمونه دیگر، بخشی از کارنامه مملو از سرکوب و جنایات رژیم اسلامی در طول حاکمیت سرکوبگرانه آن در کردستان است.

اما آنچه که باعث شد جنایات ۱۸ تیر رژیم اسلامی در مهاباد این بار بی جواب نماند و آن را به جنبش سراسری در کل کردستان تبدیل کرد، تغییر در توازن قوا میان مردم و جمهوری اسلامی به نفع مبارزه عادلانه و روزانه مردم و به زیان رژیم بود. قتل فجیع شوانه سیدقادی بهانه‌ای برای ابراز انزجار عمومی مردم کردستان از جمهوری اسلامی و سیاست‌های سرکوبگرانه آن در طول ۲۶ سال گذشته بود. اگر توازن قوا

میان مردم و رژیم از مدت‌ها قبل به نفع مردم عوض شده بود، اما در انتخابات اخیر رئیس جمهوری و در "نه" بزرگ و هماهنگ مردم کردستان به آن، مضحکه از هر زمان دیگری بیشتر آشکار گردید. اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد ماه به فراخوان کومله این انزجار توده‌ای را به شکل سازمانیافته و آگاهانه به اوج خود رساند.

تصمیم تاریخی و جواب شایسته در ۱۶ مرداد

اعتراضات گسترده و روزانه مردم کردستان در شهرهای مختلف که از مهاباد آغاز شده بود در سراسر کردستان ادامه داشت. این اعتراضات علی‌رغم اینکه همه مناطق کردستان را فراگرفته بود و علی‌رغم تأثیر احزاب و جریانات درگیر در مبارزات روزانه مردم کردستان، یک حرکت هماهنگ و سازمانیافته نبود. خواست و مطالباتش یک دست و همصدا نبود. همچنین علی‌رغم نفرت و انزجار عمومی از رژیم و سیاست‌های آن، اما افق و چشم انداز این اعتراضات و سرانجام این مبارزات نامشخص بود. از سوی دیگر خشونت و قساوت رژیم در بکار بردن زور و سرکوب که در کشتار وحشیانه شهرهای اشنویه و سقز خود را نشان داد، نگرانی‌های جدی را در مورد آینده اعتراضات اخیر برای هر فعال و دلسوز جنبش انقلابی کردستان بوجود آورده بود. این وضعیت نیاز به جواب داشت. شرایط و تند پیچ تاریخی معینی برای جنبش انقلابی کردستان و مبارزه عادلانه آن پیش آمده بود که کشتار روزانه مردم ناراضی و فرسوده شدن نیرو و سرکوب این اعتراضات بعنوان روندی قابل مشاهده آشکارا دیده می‌شد. این شرایط خطیر نیاز به هدایت آگاهانه داشت تا دست‌آوردهای کسب شده را تثبیت و در یک حرکت متحدهانه، مطابق نقشه و سازمانیافته پیروزی را اعلام کند. تشخیص شرایط ایجاد شده از جمله فرسوده شدن نیروی مردم معترض در اعتراضات روزانه همراه با قلع و قمع مردم و ایجاد یاس و ناامیدی از جانب رژیم و پراکنده بودن اعتراضات و ناروشن

بودن افق مبارزات توده‌ها، شرایط معینی بود که کومه له به درست آن را تشخیص داد و راه حل عملی و ممکن همراه با تثبیت دستاوردهای کسب شده و اعلام پیروزی را در مقابل مردم کردستان قرار داد. فراخوان اعتصاب عمومی در ۱۶ مرداد و جواب یکپارچه مردم کردستان به این فراخوان جواب شایسته و مناسب به یک ماه اعتراض و مبارزه رودرروی مردم کردستان با رژیم اسلامی بود که در عمل متحدهانه مردم کردستان جواب پیروزمند خود را گرفت.

اما تصمیم به فراخوان اعتصاب عمومی در کردستان ابتدا به ساکن و بی زمینه نبود. بلکه محصول و ادامه استراتژی جریان رادیکال و سوسیالیست در جنبش انقلابی کردستان در طول ۲۶ سال گذشته جهت سازماندهی و به میدان آوردن نیروی متحد و آگاهانه مردم ناراضی علیه حکومت اسلامی سرمایه بود. سازماندهی مقاومت توده‌ای در بهار خونین سنندج، سازماندهی کوچ تاریخی مردم مریوان در اعتراض به جنایات پاسداران در این شهر و سازماندهی راهپیمایی از شهرهای سنندج، سقز، بوکان، بانه و مهاباد در حمایت از مردم مریوان، تحصن در مقابل استانداری سنندج، خلق کرد در بوته آزمایش در جواب به فرمان جهاد خمینی در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ و سازماندهی جنگ مسلحانه در مقابل رژیم اسلامی، سازماندهی تشکل کارگران و زنان، مراسم اول ماه مه، اعتصاب کارگران کوره‌پزخانه ها و دهها حرکت توده‌ای و انقلابی دیگر در کردستان بخشی از تاریخ حیات سیاسی، اجتماعی و تشکیلاتی جریان چپ و کمونیست جامعه یعنی کومله در طول ۲۶ سال گذشته است. فراخوان به اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد ادامه این روند و در همان حال نقطه اوج آن در شرایط خفقان و کشتار روزانه و میلیتاریسم گسترده‌ای بود که از یک ماه قبل شدیدتر از گذشته بر کردستان حاکم شده بود. پیروزی این حرکت و این تصمیم تاریخی، بار دیگر کومله را بعنوان هدایت کننده جنبش انقلابی کردستان با سیاست‌ها و مطالبات عملی ممکن و

سیاست ما در قبال (ان.جی.او) ها در کردستان مصاحبه صلاح مازوجی با نشریه پیشرو

پیشرو: رفیق صلاح در سال‌های اخیر شمار زیادی از سازمان‌های مستقل غیردولتی یا با اصطلاح رایج (N.G.O) ها در کردستان و در سطح سراسری در ایران تشکیل شده اند، و طیف بسیار وسیعی از عرصه های مختلف زندگی اجتماعی از مسائل مربوط به مبارزات زنان برای کسب حقوق برابر با مردان گرفته تا دفاع از حقوق بشر بطور کلی و یا حتی خدمت محدود به اعضای خود سازمان و غیره را در بر گرفته است. گستردگی این حرکت باعث شده است که حتی دولت نیز به فکر نفوذ در این تشکله‌ها باشد و آنرا به عرصه مهمی از کار خود تبدیل کند. با این مقدمه نخستین سؤال ما اینست که جریان ما بعنوان یک گرایش سیاسی رادیکال در ایران و یک حضور اجتماعی مؤثر در کردستان، این جنبش کم و بیش خودبخودی را چگونه ارزیابی می‌کند؟

صلاح مازوجی: واقعیت این است در جوامعی مانند ایران که خفقان سیاسی حاکم است و رژیم برای پیشبرد حاکمیت خود مدام دست اندرکار ایجاد ابزارهای سازمانی ویژه خود است، عینیت جنبش‌های اجتماعی در صحنه سیاسی جامعه و وجود مبارزه و اعتراضات هرروزه علیه زور و سرکوب و بیعدالتی های اجتماعی همواره زمینه اجتماعی و سیاسی شکل‌گیری و عروج تشکله‌ها و سازمانهایی را که مستقل از دولت در دل این اوضاع منافع مردم را تعقیب کنند بوجود می‌آورد. سازمان‌ها و تشکلهایی که با درک توازن قوای موجود میان جبهه مبارزه مردم و رژیم، شرایط فعالیت علنی و توده ای خود را تامین می‌کنند. ایجاد این تشکله‌ها بویژه در کردستان که رژیم در آن هیچ پایگاهی ندارد و از همان ابتدا پیشبرد سیاست‌هایش با سد اعتراض و مقاومت مردم روبرو بوده است از زمینه‌های مادی برخوردار است.

سربرآوردن ده‌ها تشکل و سازمان توده ای در کردستان که تحت عناوین مختلف، سازمان دفاع از حقوق زنان، جمعیت های دفاع از حقوق کودکان، اکیپ های کوهنوردی و نهادهای های مبارزه با گسترش اعتیاد و سازمان‌های دفاع از محیط زیست که دخالتگری در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرند در شهرهای کردستان در همین راستا باید مورد ارزیابی قرار گیرد. غالب این نهادها در کردستان مستقل از دخالت های دولت شکل گرفته اند و دولت دخالتی در تعیین ساختار سازمانی و تعیین مکانیسم های تصمیم گیری آن ندارد. بیشتر این تشکله‌ها حتی اجازه رسمی دولتی هم ندارند، تنها با اتکا به نیروی مردم که حول اهداف مشترک جمع شده اند موجودیت خود را اعلام کرده و به شیوه علنی فعالیت های خود را پیش می‌برند. در عین حال البته "ان.جی.او" هایی وجود دارند که به ابتکار رژیم تشکیل شده‌اند. تشکلهای واقعا غیردولتی از این نوع در سطح جهان و بویژه در کشورهای غربی نقش چشمگیری در مبارزه علیه تبعیضات جنسی، نژاد پرستی، قومیت ستیزی، دفاع از حقوق کودکان و مبارزه برای جلوگیری از نابودی و فرسایش محیط زیست داشته‌اند. این نهادهای غیردولتی با قدرت و ظرفیتی که در ایجاد همبستگی و بسیج توده‌ای داشته‌اند در عرصه‌های مختلف دولت‌ها را به چالش کشیده‌اند و نقش قابل توجهی در مبارزه میلیونی علیه جنگ و میلیتاریسم، علیه فقر و بی‌عدالتی و برای تامین صلح جهانی داشته‌اند. "ان.جی.او" ها در روند سازماندهی و پیشبرد این مبارزات در مقابله با تعرضات دولت‌های سرمایه‌داری غربی به سطح رفاه و معیشت مردم و دستاوردهای

رادیکال و در همان حال متکی به نیروی آگاه مردم کارگر و زحمتکش برای تغییر در جامعه کردستان تثبیت و نشان داد راه حل چپ و انقلابی در کردستان از حمایت توده‌ای به‌رمنند است. نقطه امیدى که هم اکنون و در فردای پیروزی انقلاب در ایران برای جنبش کارگری و چپ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اما این پیروزی و ابعاد آن ابدأ تشکیلاتی و مختص به تشکیلات کومله نیست، بلکه این جنبش مدیون کار آگاهگرانه و لحظه به لحظه تمام فعالین و رهبران جنبش عملی در داخل کردستان، تمام سازمان‌ها و احزاب و شخصیت‌های انقلابی و مبارزی است که در داخل و خارج کشور از این حرکت حمایت کردند و امکان پیروزی آن را فراهم نمودند و از فراخوان کومله پشتیبانی کردند.

از سوی دیگر اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد و پیروزی در آن، راه حل لیبرالی و ناسیونالیستی از جمله بی‌اعتمادی به نیروی تحول بخش توده‌های معترض و ناراضی را بیشتر به حاشیه راند و نشان داد مردم کردستان با عمل متحدانه خود قادر به تغییر در شرایط زندگی اجتماعی و سیاسی خویش و کسب خواست‌های عادلانه و انسانی خود هستند. حزب دمکرات کردستان ایران با سکوت و سازمان زحمتکشان کردستان ایران (جریان انشعابی از کومله) با مخالفت و جریان لیبرالی ایران نیز با سکوت و اولویت دادن به اعتصاب غذای اکبر گنجی علیه اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد قرار گرفتند و بیگانگی خود را با مطالبات عادلانه مردم کردستان و راه حل از پایین و رادیکال نشان دادند. از بخت بد این طیف فعلاً آمیدی هم به راه حل آمریکایی حل مسئله کرد و عراقیزه کردن ایران و کردستان دیده نمی‌شود. بخش زیادی از چپ ایرانی، نهادهای کارگری و فعالین سیاسی منفرد از این حرکت حمایت کردند و در کنار مردم ستم‌دیده کردستان قرار گرفتند. از سوی دیگر اعتصاب عمومی و هماهنگ روز ۱۶ مرداد شکل نویی از اعتراض و مبارزه و افق نوینی را در برابر مردم کردستان گشود و

بی‌گمان پیروزی‌های آینده در گرو تشکل یابی توده‌ای و طبقاتی کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و مردم عدالت‌خواه، تشخیص درست و بموقع توازن قوا در نبرد با رژیم، جلب حمایت جنبش‌های رادیکال و انقلاب سراسری از جمله جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش جوانان و پیوند عمیق و فشرده با آنان و سرانجام مبارزه متحدانه و هماهنگ برای پایان دادن به حاکمیت سرکوبگرانه اسلامی در سراسر ایران است. پیروزی که در آن، پایان دادن به ستم و بیعدالتی از جمله ستم ملی و فضای نظامی و میلیتاریستی در کردستان و راه‌گشایی به سوی رهایی نهایی از هرگونه ستم و سرکوب اولین قدم‌های آن خواهد بود

۲۴ مرداد ۱۳۸۴

حسن رحمان پناه

سیاست ما در قبال «ان.جی.او» ها در کردستان

⇒ اجتماعی آنها نقش مهمی ایفا کرده و به دمکراتیزه کردن این جوامع کمک کرده‌اند.

با اینهمه نباید فراموش کرد که بدنبال تکوین سیستم نئولیبرالیسم اقتصادی که واکنشی بود به بحران سرمایه داری و بحرانی که اقتصاد دولت های رفاه را فراگرفته بود، در دو دهه آخر قرن بیستم دولت‌های بورژوازی دست در دست شرکت‌های چند ملیتی فعالیت‌های گسترده‌ای را برای کنترل جنبش‌های اجتماعی از طریق «ان.جی.او» ها سازمان دادند. بدنبال بحران و رکودی که در اواسط دهه ۱۹۷۰ اقتصاد سرمایه داری غربی را فرا گرفت، کاهش دادن هزینه های عمومی به محور سیاست‌های اقتصادی دولت‌های غربی تبدیل شد، که اجرای این سیاست‌ها بدون کاهش دستمزدهای واقعی و تعرض گسترده به هزینه خدمات اجتماعی و رفاهی، آموزش و پرورش و بهداشت و حقوق اتحادیه های کارگری ممکن نبود. این سیاست‌ها که با خصوصی سازی های گسترده صنایع و افزایش توانایی شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ خصوصی در تشدید بی حقوقی و استثمار کارگران و با گسترش فقر و نابرابری های اجتماعی و اقتصادی همراه بود، نمی‌توانست عوارض عدیده اجتماعی بدنبال نداشته باشد.

مقابله با عوارض و پیامدهای نئولیبرالیسم اقتصادی در همه جا زمینه رشد جنبش‌های اجتماعی و تشدید مبارزه علیه فقر و بی خانمانی، علیه تبعیضات جنسی و نژادی، علیه آسیب‌های اجتماعی، علیه جنگ و ویرانی و علیه سیاست بازپسگیری خدمات اجتماعی در زمینه آموزش و پرورش و بهداشت عمومی و... را فراهم آورد.

این واقعیات عینی که می‌توانست جنبش های انقلابی بدنبال داشته باشد، ایدئولوگ های نظام نئولیبرالی را بر آن داشت که برای مقابله با توفان‌های اجتماعی که پیامدهای سیاست های نئولیبرالی زمینه های عینی آن را تشدید کرده بود نقشه بریزند. از همین رو استراتژیستین‌ها و برنامه‌ریزان

الگوی اقتصاد نئولیبرالی با دستاویز قراردادن اهداف جنبش‌های اجتماعی تلاش کردند تا این جنبش‌ها را به کنترل خود در آورند، سازمان دادن برخی از نهادها و آژانس‌های بین‌المللی، شکل دان و گسترش آن. ج. او» ها که تحقق همین خواست‌ها و مطالبات جنبش‌های اجتماعی را در سر لوجه اهداف و برنامه کار خود قرار دادند را باید در چارچوب و راستای همین استراتژی نئولیبرالی بررسی کرد.

جنبش‌های اجتماعی که بنابه ماهیت شان، بالقوه از این ظرفیت برخوردارند که در ادامه حرکت خود به ریشه مصائب دست ببرند، اما از طریق نهادهایی مانند «ان.جی.او» ها به مسیر سازش و همکاری با نهادهای دولتی و شرکت های خصوصی برای "تخفیف" این مصائب کشانده میشوند. در این مسیر تمام تلاش‌ها با این هدف صورت می‌گیرد که نظام سرمایه‌داری را بعنوان مسبب این مصائب از زیر ضرب خارج سازند و "سازمان‌های غیر دولتی «ان.جی.او»" ها را بعنوان ارگان مشارکت مردم در تعیین سرنوشت جامعه جا بزنند. یعنی در واقع از طریق «ان.جی.او»ها اعتراض مردم به نابرابری ها، بی‌عدالتی های اجتماعی را به کنترل خود در آورند.

در ایران در دوره ریاست جمهوری خاتمی شماری «سازمان‌های غیر دولتی» به ابتکار دوم خردادی‌ها اساساً بمنظور کنترل جنبش‌های اجتماعی ایجاد شدند. اگر در دوره ریاست جمهوری رفسنجانی تحت شعار توسعه اقتصادی پایه های اقتصاد نئولیبرالی ریخته شد، در دوره خاتمی شعار توسعه سیاسی و ایجاد جامعه مدنی می‌بایست روینای فرهنگی و حقوقی و قضائی جامعه را با نیازهای اقتصاد نئولیبرالی انطباق دهد. ایجاد "سازمان‌های غیر دولتی" با تشویق و زیر نظر دولت جمهوری اسلامی بخشی از فرایند توسعه اقتصادی و سیاسی بر اساس پاسخگویی به نیاز همین مدل اقتصاد نئولیبرالی بود. طی این سال‌ها شمار زیادی از سازمان‌های «غیردولتی» تحت عناوین

انجمن‌ها، تشکلهای و نهادهای دفاع از حقوق زنان و یا جمعیت‌های مبارزه ملی با اعتیاد توسط عناصر وابسته به حکومت اسلامی و با پشتوانه مالی خود دولت بوجود آمدند. (*)) ایجاد این نوع تشکلهای از یک طرف به نمایش گذاشتن تغییرات در فضای جامعه برای عادی کردن مناسبات با غرب و تشویق سرمایه‌گذاری غربی را مد نظر داشت، از طرف دیگر دولت جمهوری اسلامی مانند تمامی دولت های دیگر برای جذب کمک های بلاعوض سازمانهای بین‌المللی نیازمند «ان.جی.او»ها می‌باشد، بعنوان نمونه جهت اجرای پروژه سامانده حاشیه شهرها از طرف بانک جهانی نظارت و تایید نهاد «ان.جی.او» ها جزو بندهای اساسی بانک جهانی است. بنا به نوشته اولین شماره "یانه" ویژه نامه داخلی تشکلهای غیر دولتی استان کردستان که در خرداد ماه ۱۳۸۴ انتشار یافته است این طرح اکنون در ایران در حال اجراست و «ان.جی.او» ها مانند چشم و گوش صادق بانک جهانی عمل می‌کنند. بانک جهانی از این طریق می‌خواهد وانمود کند که خدمات رسانی به حاشیه شهرها را با مشارکت دادن سازمان‌های غیر دولتی پیش می‌برد. (**))

با این همه "سازمان‌های غیر دولتی" «ان.جی.او» های دست ساز دولت در ایران نیز در اساس با هدف کنترل جنبش‌های اجتماعی پا به عرصه وجود نهادند. این تصادفی نبود که بسیاری از این سازمان‌های غیر دولتی در شکل انجمن ها و سازمان‌های دفاع از حقوق زنان با تیراژ بالای نشریاتشان به مبلغ و مروج فیمینسیم اسلامی درون جنبش زنان تبدیل شدند. فیمینسیم اسلامی آلترناتیو اصلاح طلبان حکومتی برای مهار و کنترل جنبش حق طلبانه زنان بود. بنابراین بسیاری از "سازمان‌های غیردولتی" که از خرداد ۱۳۷۶ شکل داده شدند و هنوز هم به فعالیت خود ادامه می‌دهند به ابتکار خود دولت و بوسیله وابستگان به حکومت ایجاد شدند.

اما همانطور که قبلاً گفتیم حساب این تشکلهای دولتی را باید از آن دسته از تشکلهایی که در بیشتر

شهرها مستقل از دخالت های دولتی شکل گرفته، یعنی دولت هیچ دخالتی در تعیین ساختار سازمانی و تعیین مکانیسم های تصمیم گیری آن ندارد، و تنها با اتکا به نیروی توده‌های مردمی که حول اهداف مشترک جمع شده اند موجودیت خود را اعلام کرده و به شیوه علنی فعالیت های خود را پیش می‌برند باید جدا کرد.

این را هم بگویم که گرایشات مختلف سیاسی و اجتماعی در شکل‌گیری این تشکلهای و فعالیت های آن دخیل هستند. اگر گرایش رادیکال تلاش دارد تا افق سوسیالیستی را پیش روی فعالیت این تشکلهای قرار دهد، گرایش لیبرالی با راه حل‌های نیم بندش تلاش می‌کند تا این حرکات را در چهار چوب قوانین جمهوری اسلامی محصور دارد و یا گرایش ناسیونالیستی از زاویه نگرش ملی جهانشمولی مطالبات این جنبش ها را نادیده گرفته و به همه چیز مهر ملی می‌زند.

پیشرو: شما از وجود گرایشات رادیکال در دل این حرکت صحبت کردید. آیا بنظر شما «ان.جی.او» ها در واقع به سرپل فعالیت‌های حزبی تبدیل می‌شوند؟ آیا ابزاری برای فعالیت های حزبی یا احزاب معین هستند؟

صلاح مازوجی: من از گرایش رادیکال بعنوان یک گرایش سیاسی و بازتاب گرایش اجتماعی معینی در کردستان صحبت کردم که در شکل‌گیری تشکلهای واقعا غیردولتی نقش دارند. طبیعی است در جامعه ای که ۲۶ سال سابقه رو دروئی با وحشی‌گری‌های جمهوری اسلامی و سیاست‌های مبتنی بر آپارتاید جنسی و بی حقوقی و تحقیر هر روزه توده‌های مردم را دارد، در جامعه که در اعماق خود می‌جوشد و گرایشات اجتماعی مختلف در هیبت نیروها و احزاب سیاسی با سابقه تبلور پیدا کرده‌اند، گرایش رادیکال درون این جامعه که در فعالیت فعالین و پیشروان این جنبش خود را نشان می‌دهد نمی‌تواند نسبت به سرنوشت جامعه ای که در آن زندگی ←

می‌کنند بی‌تفاوت باشند. زمانی که مردم شهرهای کرمانشاه، سنندج و سقز می‌بینند که رژیم با گستراندن سازمانیافته اعتماد به مواد مخدر جوانانشان را نابود می‌کند و جامعه را به تباهی می‌کشاند، طبیعی است که دست به دست هم دهند و تشکل و نهادهایی را در سطح شهر و محلات برای مقابله با این سیاست رژیم ایجاد کنند. زمانی که بی‌حقوقی و تحقیر هر روزه زنان به امری نهادینه تبدیل شده است، فعالین جنبش زنان با درک روشن که از خواست‌ها و مطالبات این جنبش دارند پا به جلو می‌گذارند و سازمان‌های دفاع از حقوق زنان را ایجاد می‌کنند. هیچکدام از این تشکل‌ها حزبی نیستند و قرار نیست در آینده هم به سرپل فعالیت‌های حزبی تبدیل شوند. اینکه این تشکل‌ها به چه نوع و چه شیوه‌ای رابطه خودشان را با احزاب و نیروهای سیاسی تعیین می‌کنند امر خودشان است، آنچه روشن است رابطه سیاسی و معنوی گرایش رادیکال درون این تشکل‌ها با کومه له است که این رابطه سیاسی و معنوی بهیچوجه تأثیری بر استقلال تشکیلاتی این تشکل‌ها ندارد.

پیشرو: آیا «ان.جی. او» های مورد نظر شما که در متن جنبش های اجتماعی پیشرو ایجاد می‌شوند و به فعالیت می‌پردازند برای پیشبرد امر خود می‌توانند کاملاً علنی کار باشند؟

صلاح مازوجی: نقطه قوت تشکل‌های واقعا غیردولتی در توده گیر بودن و علنی بودن فعالیت‌هایشان است. «ان.جی. او» ها برای تضمین ادامه کاری خود نباید به کار و فعالیت مخفی روی آورند، «ان.جی. او» ها با پرداختن به کار و فعالیت مخفی ظرفیت بسیج توده ای و علنی بودن فعالیت را از دست می‌دهند. رژیم جمهوری اسلامی در مقابله با توده‌های مردم معترض همواره تلاش می‌کند که توده‌های مردم را از رودروئی آشکار به عقب بنشاند، و فعالین و پیشروان و سازمان‌های توده ای آنها را به فعالیت مخفی سوق دهد. رژیم

برای رسیدن به این منظور به حربه‌های متفاوتی متوسل می‌شود، از دستگیری، شکنجه، زندانی کردن، و اعدام فعالین گرفته تا تطمیع و دادن وعده‌های تو خالی. رژیم در بسیاری از مواقع تلاش می‌کند که با ایجاد و گسترش فضای ترس و وحشت، توده‌های معترض مردم را تحت فشار روحی و روانی قرار دهد، و پتانسیل مبارزاتی آنها را محدود کند و از این طریق امکان مبارزات توده‌ای و رودروئی‌های آشکار و علنی را از بین ببرد، یا با دادن وعده‌های تو خالی و در انتظار نگاه داشتن آنان در واقع یک جنگ فرسایشی را به مردم تحمیل کند و آنان را چنان فرسوده کند که دست از مبارزه و اعتراض بردارند.

برای مقابله با این سیاست و روش‌های رژیم، فعالین و پیشروان متشکل در «ان.جی. او» ها باید تلاش کنند با درک درستی که از توازن قوای موجود در جامعه دارند، مطالبات، خواست‌ها و شعارهایشان را با زبان مناسب و در چهار چوب‌های چنان مشروع و اجتماعی بیان دارند که بتوانند حول این خواست‌ها و شعارها بیشترین توده‌ها را بسیج کنند. بیان خواست‌ها و طرح شعارها در چهارچوب‌های مشروع اجتماعی و با زبان مناسب بسیج و پیش‌تیبانی توده‌های مردم را سهل‌تر و آسان‌تر می‌کند.

در واقع همین پناه بردن به توده‌های مردم و بسیج آنان است که ادامه‌کاری این تشکل‌ها را در هر شرایط تضمین می‌کند. پرداختن به کار و فعالیت مخفی برای ادامه کاری «ان.جی. او»ها با فلسفه وجود این تشکل‌ها مغایرت دارد.

پیشرو: بدون شک دولت هم مایل است که در این سازمان‌های مستقل نفوذ کند، با چه مکانیسمی باید جلو آن را گرفت؟

صلاح مازوجی: قبلاً گفتیم که بعضی از این سازمان‌ها بویژه در خارج از کردستان با ابتکار عناصر و مهره‌های وابسته به رژیم، زیر نظر و با پشتوانه مالی رژیم تشکیل شده‌اند، این سازمان‌ها هر چند تحت نام تشکل‌های

غیر دولتی «ان.جی. او» ها هم فعالیت کنند، اما در واقع نهادهای وابسته به رژیم هستند با هدف به انحراف کشاندن و کنترل اعتراضات مردم ایجاد شده‌اند. این تشکل‌ها فاسد و ضد مردمی هستند. این تشکل‌ها را همه از روی شناختی که از گردانندگان‌شان دارند و سیاست‌های حاکم بر آنها از تشکل‌های واقعا غیردولتی تمیز می‌دهند. برای مثال خانه کارگر یا شوراهای اسلامی یا نهادهای تحت عنوان «حمایت از حقوق بشر اسلامی» که در سال‌های اخیر ایجاد شد، را همه می‌شناسند.

اما رژیم برای ضربه زدن به تشکل‌های مستقل از فرستادن عناصر نفوذی و خبرچین به درون آنها غافل نیست. و این کار در کردستان به بخشی از وظایف روتین اداره اطلاعات رژیم تبدیل شده است. دولت با فرستادن عناصر خود به درون این سازمان‌ها تلاش می‌کند و می‌خواهد به فعالیت این شکل‌ها لطمه زده و اگر توانست این حرکات را از هر گونه محتوای مبارزاتی خالی کند.

در چنین شرایطی سازماندهندگان «ان.جی. او» ها و توده‌هایی که در آن گرد آمده‌اند باید نهایت حساسیت را نسبت به ورود همچون عناصری به درون «ان.جی. او» ها از خود نشان دهند و نگذارند همچون کسانی به درون صفوف آنها راه یابند.

چنانچه عناصری از مهره‌های اطلاعاتی رژیم به درون تشکل‌های واقعا غیردولتی راه یافتند، این تشکل‌ها می‌توانند با اتخاذ سیاست‌ها و عملکرد رادیکال، و ایجاد مکانیسم شوری و دخالت دادن مستقیم همه اعضای تشکل در تعیین سیاست‌ها و ارگانهای اجرایی تشکل حضور این عناصر رژیم را بی‌اثر و خنثی نمایند.

پیشرو: آیا به این ترتیب می‌شود گفت که «ان.جی. او»ها تشکل‌های غیرسیاسی هستند؟

صلاح مازوجی: به هیچ وجه، فلسفه وجودی و محتوای واقعی فعالیت «ان.جی. او» ها در واقع سیاسی است. هر کدام از عرصه‌های متنوع زندگی اجتماعی و فعالیت‌هایی که

بدان اشاره شد را در نظر بگیریم، می‌بینیم که این تشکل‌ها برای پیشبرد این فعالیت‌ها، در اولین قدم با سیاست‌ها و قوانین جمهوری اسلامی در می‌افتند، ده‌ها «ان.جی. او» را در نظر بگیرید که اهداف خود را مبارزه در راه تامین برابری واقعی بین زن و مرد تعریف کرده‌اند. اینها بدون در افتادن با رژیم اسلامی که بانی بی‌حقوقی زنان و تحقیر هر روزه‌شان است نمی‌توانند سخنی از دفاع از حقوق زنان به میان آورند، مخالفت با قوانین و سیاست‌های زن ستیز جمهوری اسلامی آنان را عملاً به مبارزه و رودروئی سیاسی می‌کشاند، ده‌ها جمعیت، کانون و بنک‌هایی که بمنظور مقابله با گسترش اعتیاد در سطح شهرها تشکیل می‌شوند در اولین قدم از فعالیت‌های خود با مانع تراشی ادارات و نهادهای دولتی روبرو می‌شوند، یکی از عرصه‌های فعالیت اینها فشار آوردن به رژیم برای مجازات عاملین پخش مواد مخدر است که از عوامل خود رژیم هستند، تمام عرصه‌های مبارزه علیه بی‌حقوقی کودکان، برای کسب حقوق اجتماعی جوانان، دفاع از محیط زیست و... به مقابله با سیاست‌های رژیم اسلامی می‌انجامد، بنابراین اگر تشکل‌های واقعا غیردولتی بخواهند به اهدافشان وفادار بمانند نمی‌توانند غیرسیاسی باشند، اتفاقاً همین سیاسی بودن و مضمون فعالیت آنهاست که این تشکل‌ها را توده گیر می‌کند، در افتادن آنها با سیاست‌های دولت است که منجر به بازشدن فضای سیاسی جامعه می‌شود.

همینکه «ان.جی. او» ها به محیط آموزشی تبدیل می‌شوند، انسان‌ها را از انزوای فردی بیرون می‌کشند و قدرت جمعی آنها را به خودشان می‌باوراند، و آنها را برای مبارزه در جهت تحقق اهدافشان آماده می‌کنند خود یک اقدام سیاسی است.

پیشرو: ساختار تشکیلاتی «ان.جی. او» ها چگونه باید باشد؟

صلاح مازوجی: تشکل‌های واقعا غیردولتی سازمان‌هایی هستند که در دل جنبش‌های اعتراضی

سیاست ما در قبال «ان.جی.او» ها در کردستان

شکل می‌گیرند. غالباً این سازمان‌ها هیچ اساسنامه‌ای از پیش تدوین شده‌ای ندارند، با اتکا به ضوابط اولیه ساده‌ای شکل می‌گیرند و بنا به نیازهای مشخص در عمل مواد ضروری را به آن اضافه می‌کنند و در هر حال اصل بر این است که از درگیر کردن خود در مواد پیچیده اساسنامه ای و دست و پاگیر و بوروکراتیک خودداری کنند. فعالین و پیشروان اعتراضات با اتکا به مشارکت دادن توده‌ای هر چه بیشتری از مردم در پروسه ایجاد این تشکل‌ها آنها را بر پا می‌کنند و موجودیتشان را اعلام می‌کنند. در توافق عمومی بر سر یک سری ضوابط ساده کار خود را شروع می‌کنند. تصمیمات را در نشست‌های عمومی اتخاذ می‌کنند در همین نشست‌ها تقسیم کار می‌کنند و جمعی را هم برای پیگیری اجرای تصمیمات انتخاب می‌کنند، باید دخالت مستقیم همه اعضا در تصمیم‌گیری‌ها و در حیات سیاسی «ان.جی.او» به فرهنگ عمومی همه اعضا آن تبدیل شوند. به تدریج که فعالیت گسترده تر می‌شود و وظایف بیشتری را در دستور کار خود قرار می‌دهند، سازمان «ان.جی.او» ها نیز پیچیده تر می‌شود، و فعالین آن هم تجارب بیشتری کسب می‌کنند و راه حل مشکلات را در عمل یاد می‌گیرند، ضوابط کاری کم کم تکمیل می‌شود و می‌توانند اساسنامه هم داشته باشند.

پیشرو: این تنها دولت نیست که سعی می‌کند برای کنترل جنبش‌های اجتماعی از این «ان.جی.او» ها استفاده کند که سیاست در قبال آن قبال روشن گردید، در عین حال گرایشات اصلاح طلبی غیردولتی وارد فعالیت در این سازمان‌ها می‌شوند، بعلاوه ممکن است اساساً «ان.جی.او» هایی که این گرایشات تماماً در آنها مسلط هستند بوجود بیایند، سیاست اصولی در برخورد به این پدیده چگونه بایستی باشد؟

صالح مازوجی: همانطور که وجود و تقابل گرایشات سیاسی مختلف در درون جنبش‌های اجتماعی یک واقعیت انکار ناپذیر است و ما در درون جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش کردستان و جنبش جوانان شاهد تقابل گرایش سوسیالیستی، با لیبرالیسم بورژوازی هستیم و در واقع این توازن قوای میان گرایشات سیاسی مختلف در این جنبش‌هاست که بطور عینی مسیر حرکات این جنبش‌ها را تعیین می‌کند. در درون سازمان‌های واقعا غیردولتی هم بازتاب تقابل این گرایشات را می‌بینیم. در اینجا گرایش سوسیالیستی نه تنها با اعلام مواضع و شعارهای رادیکال بلکه باید با ارائه سیاست‌ها و راه حل‌های عملی روشن حقانیت خود را نشان دهد. فعالین سوسیالیست در درون «ان.جی.او» ها تنها در یک تقابل سیاسی و فکری و ارائه راه حل‌های عملی که پیشروی حرکت‌ها را تضمین کند است که می‌توانند گرایش لیبرال یا اصلاح طلب بورژوازی را عقب برانند.

در این تقابل فکری و سیاسی نباید تنها به اعلام مواضع اکتفا کرد، باید اقلان و آگاهگری مخاطبین و توده‌هایی که در «ان.جی.او» ها گرد آمده‌اند را هدف قرار داد، باید آنها را از زیر تاثیرات ایده‌های لیبرالی رها ساخت و موجبات اعتلا فکری توده‌ها را فراهم ساخت. در این نبرد تنها اثبات حقانیت تاریخی سوسیالیسم کافی نیست، بلکه باید درست و کارساز بودن راه‌حل‌های عملی را که سوسیالیست‌ها، روزانه در پیش پای جنبش قرار می‌دهند را نیز در تجربه عملی به اثبات رساند، تنها در این صورت است که می‌توان حرکت «ان.جی.او» ها را در مسیری قرار داد که به ریشه مسائل دست ببرد.

پیشرو: هزینه فعالیت‌های «ان.جی.او» ها چگونه تامین می‌شود؟

صالح مازوجی: نباید این را از نظر دور داریم که گاهی دولت سعی می‌کند با اختصاص بودجه و کمک مالی به

«ان.جی.او» ها بر روند حرکت این تشکل‌ها تاثیر بگذارد و آنها را غیرمستقیم در مسیری قرار دهد که به اهداف رژیم خدمت کنند. در کشوری مانند ایران و با ماهیتی که این رژیم دارد «ان.جی.او» ها بهیچوجه نباید به لحاظ مالی به دولت وابستگی داشته باشند. رژیم بطور قطع برای بدنام کردن این گونه سازمان‌ها و یا فعالین و گردانندگان آنها به شایعه پراکنی و حتی دسیسه چینی روی می‌آورد. بنابر این حساب و کتاب مالی «ان.جی.او» ها باید بسیار روشن و شفاف باشد و در دسترس همگی اعضا قرار گیرد. این موسسات یعنی «ان.جی.او» ها باید کاملاً و مطلقاً غیرانتفاعی باشند. باید این موسسات حتی المقدور کم هزینه باشند، به کمک اعضا، کمک‌های مردمی و یا کمک تشکل‌های واقعا غیر دولتی دیگر که به لحاظ مالی در موقعیت مناسبتری قرار دارند متکی باشند.

روشن و شفاف باشد و در دسترس همگی اعضا قرار گیرد. این موسسات یعنی «ان.جی.او» ها باید کاملاً و مطلقاً غیرانتفاعی باشند. باید این موسسات حتی المقدور کم هزینه باشند، به کمک اعضا، کمک‌های مردمی و یا کمک تشکل‌های واقعا غیر دولتی دیگر که به لحاظ مالی در موقعیت مناسبتری قرار دارند متکی باشند.

++++

زیرنویس

(*) بانک جهانی با همکاری وزارت کشور طرح صندوق توسعه ملی را توسط شوراهای اسلامی و سازمان‌های جامعه مدنی اجرا می‌کند. این طرح ۶ ساله از ابتدای سال ۸۲ تا انتهای سال ۸۷ به طول خواهد انجامید. میزان سرمایه‌گذاری که برای این طرح در نظر گرفته شده ۲۰۰ میلیون دلار

پیشرو ارگان کمیته مرکزی کومه‌له

به زبان کودی هر ۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

پیشرو را می‌توان در سایت کومه‌له مطالعه و یا چاپ و به دست علاقمندان رساند.

آدرس‌های حزب کمونیست ایران و کومه‌له

دفتر نمایندگی کومه‌له

K.K. P.O.Box75026
Box 750 26 Uppsala- Sweden
Tel/Fax: +46-18-46 84 93
komala@cpiran.org

دفتر نمایندگی کومه‌له

در سلیمانیه
Tel . 3124760 - 3125815

کمیته مرکزی کومه‌له
Tel. 0044-70-775 207 81

komalah@komalah.org

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 704 45
107 25 Stockholm - Sweden
Tel/Fax +46-08-86 80 54
E-mail: cpi@cpiran.org

کمیته خارج کشور حزب

K.KH.K Box 704 45
107 25 Stockholm - Sweden
E-mail: kkh@cpiran.org

جهان امروز

نشریه سیاسی

حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

سردبیر:

هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال دارید.

h@cpiran.org



— «جهان امروز» تنها مطالبی را که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد چاپ می‌کند.
— استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.
— مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.

— جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.

— مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ۴ با سایز ۱۶ می‌باشد.

شماره حساب جهان امروز

S-E Banken F-S
53682990054

صدای حزب کمونیست ایران

هر شب: ۲۰ - ۲۱

صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

صدای انقلاب ایران

صبح‌ها: ۲ - ۸ ظهرها: ۱۳ - ۱۴

عصرها: ۱۹ - ۲۰

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

تشکل مستقل کارگری و چشم‌انداز آن

از صفحه ۸

جهت‌گیری طبقاتی ضد سرمایه‌داری آن تشکل مهم است. هر تشکلی که به نیروی و اراده خود کارگران و دخالت مستقیم آنان از طریق مجامع عمومی‌شان متکی نباشد، در تقابل طبقاتی با زور و ستم و استثمار بی‌رحمانه سیستم سرمایه‌داری و رژیم حامی سرمایه نمی‌تواند امر خود را پیش ببرد. بعلاوه مهم‌تر از همه کارگران همواره باید در مجامع عمومی خود سیاست‌ها و عمکردهای نمایندگان را مورد ارزیابی قرار دهند. نمایندگانی را که به وظایف و تصمیمات مجمع عمومی عمل نکرده‌اند را عزل نمایند. در حالی که چنین سیاستی در اتحادیه‌های کارگری جهان امری محال و نشدنی است. انگلس، در مقدمه بر جنگ داخلی فرانسه، درباره نمایندگان کارگری چنین می‌نویسد: «طبقه کارگر می‌باید... درمقابل نمایندگان و کارمندان ویژه خود مصونیت داشته باشد، می‌باید آن‌ها را بدون استثنا در هر زمان قابل انفصال اعلام کند...»

خلاصه کلام تشکل مستقل کارگری، تشکلی است که اساساً به نیروی خود کارگران و مجامع عمومی آنان اتکا کند و مستقل از دولت و قوانین و ارگان‌های آن اعلام موجودیت کرده و به زائده هیچ حزب و سازمان سیاسی نیز تبدیل نگردد. در عین حال با حفظ استقلال تشکیلاتی، با احزاب و سازمان‌هایی که احساس نزدیکی سیاسی-طبقاتی می‌کند در ارتباط قرار می‌گیرد.

نهایت امر طبقه کارگر از طریق مبارزه متشکل و آگاهانه با افق و چشم‌انداز مبارزه هدفمند سوسیالیستی در جهت برانداختن سیستم سرمایه‌داری، لغو کار مزدی و مالکیت خصوصی و برپایی جامعه اشتراکی کمونیستی حرکت می‌کند. هم تشکل‌های توده‌ای طبقه کارگر آگاه و متشکل و هم احزاب کمونیستی که منافع جدا از منافع طبقه کارگر برای خود تصور نمی‌کنند، برای تحقق انقلاب اجتماعی لازم و ملزوم یکدیگر هستند. اگر طبقه کارگر به آگاهی کمونیستی دست نیابد، انقلاب اجتماعی متحقق نخواهد شد.

۱۶ اوت ۲۰۰۵



دولت و ارگان‌های وابسته به رژیم است. آن نظری که به دنبال اجازه وزارت کار و توافقات مقاوله‌نامه‌های سازمان جهانی کار برای برپایی تشکل کارگری است، دست‌اندرکاران آن در عمل دیدند که درخواست آن‌ها نه تنها توسط وزارت کار رژیم پذیرفته نشد، بلکه اگر هم پذیرفته شود از همان آغاز فعالیت چنین تشکل کارگری زیر فشار سیاست‌های ضدکارگری رژیم و قوانین آن قرار خواهد گرفت. از اینرو لازم به تاکید است که تشکل مستقل کارگری باید مستقل از دولت و ارگان‌های آن و مستقیماً توسط خود کارگران به وجود آید و موجودیت آن نیز از پایین به رژیم تحمیل گردد. همچنین این تشکل نباید به محلی برای جدل و کشمکش و رقابت احزاب و سازمان‌های تبدیل شود و سرانجام به صورت زائده احزاب و سازمان‌های سیاسی درآید. در عین حال تشکل کارگری بنا به تشخیص رهبری و اعضای خود با حفظ استقلال کامل تشکیلاتی می‌تواند با احزاب مورد نظر خود رابطه سیاسی داشته باشد. در شرایط کنونی با در نظر گرفتن موقعیت غیرانسانی و غیرقابل تحمل که جمهوری اسلامی برای مزدبگیران به وجود آورده است، تشکل مستقل کارگری می‌تواند مطالبات فوری کارگران مبنی بر پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، افزایش دستمزدها متناسب با تورم و گرانی واقعی، لغو کار موقت و پیمانی، ایجاد صندوق بیکاری مکفی برای همه بیکاران، رفع هرگونه تبعیض در محیط کار و جامعه به ویژه میان زن و مرد، لغو کار کودکان و فراهم کردن تحصیل رایگان برای آن‌ها و تامین زندگی خانواده کودکان کار، تامین زندگی سالخورده‌گان، لغو قانون کار ضدکارگری و... باشد. مبارزه حول این مطالبات، در سطح وسیعی کارگران بیکار و شاغل را در یک صف متحد طبقاتی متشکل می‌سازد.

مسلم است در شرایط حاضر آن‌جایی که توده کارگران بخواهند شورا و یا در جای دیگری اتحادیه و یا کمیته کارخانه و غیره به وجود آورند، اسم مهم نیست، بلکه مضمون و محتوا و می‌گرداند. تصادمات بین افراد جداگانه کارگر و افراد جداگانه بورژوا بیش از پیش شکل تصادم میان دو طبقه را به خود می‌گیرد. کارگران در آغاز کار بر ضدبورژوازی دست به ائتلاف می‌زنند و برای دفاع از مزد کار خود مشترکاً عمل می‌نمایند و حتی جمع‌های دائمی تشکیل می‌دهند تا در صورت تصادمات احتمالی بتوانند وسایل معیشت خویش را تامین کنند. در برخی نقاط، مبارز جنبه شورش به خود می‌گیرد. گاه کارگران پیروزی می‌شوند و این پیروزی تنها پیروزی گذرا است. نتیجه واقعی مبارزه آنان، کامیابی بلاواسطه آنان نیست، بلکه اتحاد کارگران است که همواره در حال پیدایش و تکامل است. «... شرایطی که مارکس درباره موقعیت طبقه کارگر توصیف می‌کند اگر مبارزات پراکنده و روزمره طبقه کارگر به اتحاد و همبستگی و متشکل شدن توده کارگران منجر نشود، هرگونه دستاورد آن‌ها توسط سرمایه‌داری پس گرفته می‌شود. بدین ترتیب، رمز پیروزی طبقه کارگر در گرو مبارزه متشکل و متحد آن علیه سیستم سرمایه‌داری است. کارگران در طول دو بیست سال تاریخ مبارزه طبقاتی خود، تشکل‌های مختلفی را به وجود آورده‌اند. برای مثال، اتحادیه‌هایی که امروز به تشکل‌های رفرمیستی تبدیل شده‌اند، در طول تاریخ چنین نبوده‌اند و دورانی به مبارزه طبقاتی علیه سرمایه‌داری دست زده‌اند. همچنان که برخی از شوراها در سال‌های اوایل انقلاب بهمین ماه ۱۳۵۷، رادیکال و واقعی نبودند. همچنین پس از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه شوراها تا فوریه ۱۹۱۷ دورانی را که و دورانی فعال و دورانی نیز به مبارزه اقتصادی و رفرمیستی روی آوردند. طبیعتاً شوراها ابزار مناسبی برای پیشبرد اهداف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر است که در فردای انقلاب اجتماعی قرار است حکومت کارگری سوسیالیستی را تشکیل دهند. بنابراین در شرایط حاضر ایران، بحث بر سر تقابل شورا و اتحادیه و غیره نیست، بلکه اساساً بحث بر سر خصوصیات تشکل کارگری مستقل از

می‌کنند؛ در کارخانه و کارگاه دست به تحصن می‌زنند؛ در خیابان‌ها راهپیمایی می‌کنند و یا در اشکال دیگری مبارزه خود را پیش می‌برند، همگی اشکال گوناگون مبارزه طبقه کارگر بر علیه سیستم سرمایه‌داری است که به درجه‌ای رشد سطح آگاهی طبقاتی کارگران را نشان می‌دهد، هر چند که هنوز کارگران با جانفشانی‌ها و تحمل شرایط سخت زیاد نتوانسته‌اند به مطالبات اقتصادی و اجتماعی خود برسند. اما در اثر این مبارزات، زمینه مادی مساعدی برای برپایی تشکلهای مستقل کارگران فراهم شده است. تلاشی که در دو سال اخیر بخشی از فعالین کارگری با افق و چشم‌انداز متفاوت تحت عنوان «کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری» و یا «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری» ایجاد کرده‌اند، ناشی از این واقعیت است.

در واقع طبقه کارگر به ناچار از کوره‌های داغ و سوزان مبارزه طبقاتی گذر می‌کند و دست به عمق روابط و مناسبات سیستم سرمایه‌داری برای برانداختن آن می‌برد. همان‌طور که مارکس در مانیفست حزب کمونیست می‌نویسد: «... پرولتاریا به صورت توده‌های بزرگی گرد آمده، نیرویش فزونی می‌گیرد و این نیرو را بهتر حس می‌کند. به نسبتی که استعمال ماشین به طور روزافزونی اختلاف کار را از میان می‌برد و تقریباً مزد کار همه را به طور مساوی تا میزان نازلی پایین می‌آورد، به همان نسبت مصالح و شرایط زندگی پرولتاریا نیز بیش از پیش همانند و یکسان می‌شود. رقابت روزافزون، بین بورژواها و بحران‌های تجارتهای ناشی از این رقابت است، مزد کارگران را پیوسته به صورتی ناپایدارتر در می‌آورد. کار ماشین، که به سرعتی هر چه تمام‌تر تکامل و همواره بهبود می‌یابد، وضع زندگی کارگران را نامطمئن‌تر

بهرام رحمانی

تشکل مستقل کارگری و چشم‌انداز آن

خود را به وجود آورند. سوما، احزاب چپ و کمونیست مجاز نیستند آن تشکل کارگری را که با سیاست‌هایشان خوانایی ندارد، تخریب نمایند. پرواضح است که حق طبیعی و بدون قید و شرط کارگران است که با اتکا به توازن قوای طبقاتی تشکل دلخواه خود را به وجود آورند. اگر این تعبیر مارکس را بپذیریم که سرمایه حامل گورکن خویش یعنی طبقه کارگر است، باید این را هم بپذیریم که جنبش اجتماعی طبقه کارگر به طور عینی علیه سیستم سرمایه‌داری است. مبارزه طبقه کارگر ایران در این دوره برای افزایش دستمزد، پرداخت



به موقع آن، کاهش ساعات کار، مقاومت در مقابل زورگویی کارفرمایان، لغو کارهای قراردادی و موقت، جلوگیری از اخراج کارگران، تلاش برای ساختن تشکلهای کارگری و غیره شرایطی را فراهم ساخته است که طبقه کارگر از یک سو در دل این مبارزات تجربه طبقاتی کسب کند و از سوی دیگر جای خالی تشکلهای خود را با تمام وجود لمس نماید. تجمعات اعتراضی که کارگران در مقابل ارگان‌های رژیم بر پا می‌دارند؛ جاده‌های اصلی شهرها را مسدود

کارگر و به تفرقه و پراکندگی بیشتر منجر خواهد شد. مسلماً هیچ جنبش و تشکل توده‌ای با قرار و قطعنامه احزاب و سازمان‌های سیاسی به وجود نمی‌آید. اگر هم چنین تشکلی در یک مقطع معین تاریخ شکل بگیرد، پایدار نبوده و با هر تغییر و تحولی در سیاست حزب حامی آن دچار انشقاق و بحران خواهد شد. احزاب و سازمان‌های کارگری کمونیستی می‌توانند این جنبش‌های خودانگیزخته را به جنبش‌های هدفمندی در مسیر درست مبارزه طبقاتی هدایت کنند. بنابراین جنبش‌ها مقدم بر سازمان‌های سیاسی و پایدار هستند و اگر موقعیت و شرایط سیاسی و

در رابطه با محتوا و مضمون «تشکل مستقل کارگری»، در میان احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست و فعالین جنبش کارگری نظریه یکدستی وجود دارد. شاید این عدم توافق در رابطه با تشکل مستقل کارگری، قبل از هر چیز ریشه در تاریخ طولانی رژیم‌های سرکوبگر و عدم وجود آزادی‌های فردی و اجتماعی و آزادی بیان و تشکل در ایران دارد. همچنین هر کدام از گرایش‌های درون طبقه و احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست، افق و چشم‌اندازهای متفاوت طبقاتی از طرح تشکل مستقل کارگری را مد نظر دارند. شایان ذکر است که کارگران ایران

در تاریخ معاصر، غیر از سه دوره کوتاه، یعنی تجربه شورای متحده قبل از به قدرت رسیدن رضاخان میرپنج، قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سال‌های اول انقلاب ۱۳۵۷، فاقد تجربه و فعالیت تشکلهای توده‌ای و غیرحزبی خود بوده‌اند. از این‌رو ضروری است که گرایش‌های مختلف درون طبقه کارگر، با صبر و حوصله بیشتر و در فضایی سالم و سیاسی و رفیقانه، مسئله تشکلهای مستقل توده‌ای کارگران نظیر سندیکا، اتحادیه، شورا، کمیته کارخانه، کمیته‌های اعتصاب و غیره را مورد بحث و بررسی قرار دهند تا توده کارگران خودشان آگاهانه و آزادانه تشکل دلخواه خود را به وجود آورند و به طور متشکل و متحد اهداف صنفی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را دنبال نمایند.

در راستای تلاش برای برپایی تشکل مستقل کارگری ذکر چند نقطه حائز اهمیت است. اگر این نکات توسط فعالین جنبش کارگری کمونیستی رعایت نشود، مسلماً به ضرر طبقه